



تابستان در تورطاها

تابستان است و فصل رسیدن به آرزوهای فراموش شده. بچه‌های عزیز حتماً شما هم با این جمله موافقید که هر کدام از ما تابستان را آن طوری که دوست داریم می‌بینیم. یکی آن را دریایی می‌بیند که پر از ماهی‌های رنگارنگ و صدف‌های زیباست، تا می‌تواند به موج‌های زیبای دریا و ساحل نگاه می‌کند. یک نفر دیگر، تابستان را باغی بزرگ می‌بیند که می‌تواند از میوه‌های خوش مزه‌اش استفاده کند. یکی هم پیدا می‌شود که تابستان را دشتی پر از گل و سبزه می‌بیند که می‌تواند از تماشای این همه زیبایی آفرینش خدالذت ببرد. به هر حال تابستان را هر طور که ببینیم، دست‌های خود را برای تابستان مهربان می‌کشاییم با همه‌ی روزهای بلند و فرصت‌های طلایی و باارزشی که به ما می‌بخشد.



اسم این پسر خوب و زبرورنگ طاها روحی است. طاها کلاس پنجم است و آرزو دارد پزشک شود.



فکر نکنید چون تابستان است، او فقط بازی و تفریح می‌کند. نه، طاها روزهای هفته را تقسیم‌بندی کرده و با برنامه‌ریزی پیش می‌رود تا هیچ کدام از علاقه‌مندی‌هایش را جا نیندازد. او به کلاس آموزش زبان می‌رود و الان هم دارد کتاب‌های زبان انگلیسی‌اش را مرور می‌کند.

